EFFECT OF COUNSELING ON THE ACHIEVEMENT OF UNIVERSITY STUDENTS WITH DROPOUT*

Authors: Shams B; Farshidfard M; Hassanzadeh A

Introduction: University students are faced with a lot of stresses such as workload, maltreatment, etc. They cope with these problems differently. The coping may be manifested as depression, anxiety, changing life style, etc., which will affect their educational performance and sometimes causes dropout. To prevent this loss, it is essential to understand the phenomenon of dropout and find the causes and decrease or remove them.

Methods: The population of study was students referring to the University Counseling Center during ۱۹۹۸. They came either voluntarily or in response to invitation. Invitations were made for those who had been known as high-risk students according to the screening study of entering year (۱۹۹٦, ۱۹۹۷). The intervention was counseling for psychological, educational, familial, and social problems. The effectiveness of intervention was assessed by comparison of the students' average grade before and after that.

Results: The mean of average grades increased after intervention. This was more prominent in three groups: students with higher average grades from high school, students with university averages below ۱٤ (out of ۲۰), and not married students.

Conclusions: This study was a part of a university project for prevention of dropout. As previous researches showed, it may be concluded that taking care of students, and counseling their problem may result in less dropout and improve their achievement. To apply this, establishing a Student Health Center with counseling supports is recommended.

Key Words: Student's Dropout – Educational Counseling – Psychological Counseling

Address: Shams Behzad; Deparment of Medical Education, EDC, Isfahan Unuversity of Medical Sciences and Health Services, Isfahan, Iran

Source: Iranian Journal of Medical Education ۲۰۰۰ ۱(۱): ۳٤-۳۹

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

* The study was registered under No ۷۷۲۸۹ in the Office of Research Coordingation and Isfahan University of Medical Sciences and Health Services, Scientific AResearch Department paid the costs.

تأثير مشاوه بر بهبود عملكرد تحصيلي دانشجويان داراي افت تحصيلي

ارزيابي مرحله مداخله ازطريق مشاوره تحصيلي و روانشناختي دانشجويان با افت تحصيلي

بهزاد شمس، مصطفي فرشيدفر، اكبر حسن‌زاده

چكيده مقاله

مقدمه. دوران تحصيل دانشگاهي براي بسياري از دانشجويان، به ويژه دانشجويان پزشكي، ممكن است همراه با خطرات و آسيبهاي جدي باشد. افسردگي، اضطراب، استرسهاي شديد، تغيير در سبك زندگي، مشكلات شغلي، احساس بدرفتاري از سوي دست‌اندركاران آموزشي و اجرايي در دانشگاه و ...، ازجمله عواملي هستند كه مي‌توانند در بروز آسيبهاي روانشناختي و به تبع آن افت عملكرد تحصيلي دانشجويان مؤثر باشند. ضرورت دارد كه پس از شناخت اين عوامل، ازطريق مشاوره، درجهت كاهش اثر منفي آنها اقدام شود.

روشها. از بين كلّيه دانشجويان مراجعه‌كننده به مركز مشاوره در طول يكسال كه تمامي آنها از خدمات تخصصي اين مركز برخوردار شدند، ۱۵۲ نفر به عنوان نمونه گزينش گرديدند. نمونه‌گيري براساس دو ملاك عمده، يعني مراجعه بيش از يك بار به مركز مشاوره و اينكه عمده‌ترين مشكل مراجعه‌كننده، مشكلات تحصيلي بوده باشد، انجام گرفت. پس از اختصاص صدها ساعت مشاورة تحصيلي و روانشناختي، عملكرد تحصيلي گروه نمونه ازطريق مقايسه معدل ترمهاي قبل از مشاوره و بعد از مشاوره آنها، مورد ارزيابي و تحليل قرار گرفت.

يافته‌ها. يافته‌هاي اين پژوهش نشاندهندة آن بود كه انجام مشاوره‌هاي تحصيلي و مراقبتهاي روانشناختي به طور كلي مؤثر و مثبت بوده است، اين تأثير براي دانشجوياني كه عملكرد تحصيلي ضعيف‌تري داشتند و پيشينه تحصيلي آنان (معدل ديپلم) بهتر و از سهميه مراكز استانها وارد دانشگاه شده بودند، بيشتر بود؛ همچنين مجردها بهتر از متأهلين و كساني كه بيش از سه جلسه مشاوره داشتند، بهتر از افراد ديگر از مداخلات مشاوره‌اي تأثير پذيرفته‌اند.

بحث. ضرورت پرداختن به ضايعه افت تحصيلي در دانشگاه و شناخت عوامل آن، پيشگيري از آن و درنهايت مداخله براي رفع اين پديده، ايجاب مي‌كند كه دانشگاه‌ها چارچوب خاصي مشابه با آنچه كه پژوهشگران اين مقاله در پيش گرفتند، براي حل اين مشكل و ارتقاي كيفيت آموزش و سطح كارآمدي در دانشگاه، طراحي و اجرا نمايند. يافته‌هاي اين پژوهش بر تأثير حتمي مداخلات و حمايتهاي كارشناسانه از دانشجويان در رويارويي با مشكلات محيطي، عاطفي و تحصيلي را بيش از پيش تأكيد مي‌كند.

واژه‌هاي اصلي. اُفت تحصيلي؛ مشاورة تحصيلي؛ مشاورة روانشناختي.

مقدمه

افت تحصيلي بدون ترديد ضايعه‌اي همراه با از دست دادن سرمايه‌هاي ارزشمند است كه نبايد به راحتي از آن گذشت، بلكه هر اقدامي براي شناسايي عوامل ايجادكننده و رفع آنها بايستي مورد حمايت قرار گيرد.

در مطالعات انجام شده نشان داده شده است كه سلامت جسمي – رواني و موفقيت تحصيلي دانشجويان متأثر از تعامل سه عامل زير است:

وجود فشارهاي مختلف (Stresses) از ابتدا تا انتهاي دوره تحصيلي، كيفيت از عهده برآمدن (Coping) دانشجو در برابر مشكلات، و چگونگي حمايت دانشگاه و ساير مؤسسات از وي، كه اين نيز مي‌تواند منجر به تشكيل نگرشهاي مثبت و تقويت‌كننده و يا نگرشهاي منفي و احساس بدرفتاري از سوي سيستم در دانشجويان گردد. اين موضوع از سالها قبل مورد توجه دانشگاه هاي مختلف بوده است(۱ و ۲).

شناخت عوامل اصلي افت تحصيلي و اتخاذ راهكارهاي پيشگيرانه و مداخله‌اي مي تواند كمك مؤثري در كاهش افت تحصيلي و درنتيجه بهبود وضعيت جسمي، رواني و آموزشي دانشجويان باشد. گرچه نگاه‌هاي مبتني بر مطلق‌نگري و پيش‌داوري شايد حكم كند كه كار مداخله و مشاوره براي فراگيراني كه افت مستمر دارند و احتمالاً از انگيزه و رغبت و اراده خوبي برخوردار نيستند، چندان مؤثر نباشد ولي كنكاش در وضعيت تحصيلي اين افراد نشان مي‌دهد كه در ميان آنان

اين طرح با شماره ۷۷۲۸۹ دفتر هماهنگي امور پژوهش ثبت شده و هزينه آن از محل اعتبارات معاونت پژوهشي دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي – درماني استان اصفهان پرداخت گرديده است.

آدرس: بهزاد شمس، معاونت آموزشي، دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي – درماني استان اصفهان، تلفن ۶۸۲۸۸۹ - ۰۳۱۱

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

دانشجوياني هستند كه سوابق تحصيلي خوب و قابل قبولي دارند و به دلايلي كه قابل پيشگيري و يا رفع است، به اين مشكل گرفتار شده‌اند.

به دنبال مطالعه‌اي كه در سال ١٣٧٤ در دانشگاه علوم پزشكي اصفهان انجام شد (٣)، و طي آن عوامل روانشناختي و جمعيت‌شناسي (Demographic) دانشجوياني كه افت تحصيلي داشتند، مطالعه گرديد، مقرر شد تا در سالهاي بعد همه دانشجويان ورودي از جنبه عوامل خطرزا (Risk Factors) غربالگري (Screening) شوند و سپس در معرض مشاورة تحصيلي و روانشناختي قرار گيرند. در سومين سال اجراي اين پروژه، با هدف بررسي نتايج مداخله‌هاي مشاوره‌اي مطالعة حاضر انجام گرفت.

روشها

جامعه مورد مطالعه، كليه دانشجويان مراجعه كننده به مركز مشاوره در سال ١٣٧٧ (٩١٨ نفر = N) بودند كه در اين مركز مورد مشاوره و حمايت قرار گرفتند. اين دانشجويان عمدتاً متعلق به دو طيف بوده و حسب مورد يا با تمايل خود مراجعه كرده‌اند و يا بمنظور ارائه خدمات فراخواني شدند:

دانشجوياني كه در ارزيابيهاي غربالگري (Screening) ورودیهاي سال ١٣٧٦ و ١٣٧٧ به عنوان دانشجويان درمعرض خطر (at risk) تشخيص داده شدند.

دانشجوياني كه توسط همان ارزيابيها و نيز با مراقبتهاي تحصيلي بعدي، به عنوان دانشجويان پرخطر (High risk) شناخته شده بودند.

از اين ميان با درنظر گرفتن دو ملاك مراجعه بيش از يك بار (از ٢ تا ١٤ بار)، و اين كه مشكل تحصيلي عمده‌ترين مشكل آنها بوده باشد، يك نمونه ١٥٢ نفري انتخاب شدند. اين دانشجويان كه از مهمترين نگرانيهايشان، ناخشنودي از وضعيت تحصيلي خود بود، به نوبت مراجعه كردند و طي جلسات متعدد، از ٢ تا ١٤ جلسه و در هر جلسه حداقل يك ساعت، توسط كارشناسان ارشد روانشناسي مورد مشاوره قرار گرفتند. بيشترين توزيع تعداد جلسات مشاوره، ٢ و ٣ جلسه بود. طي اين جلسات مداخلات مشاوره‌اي اعم از تحصيلي، رفتاري، عاطفي و اجتماعي به صورت حرفه‌اي و مبتني بر نياز مراجعه كننده به آنان داده مي‌شد.

در آسيب‌شناسي شكست تحصيلي اين دانشجويان به عوامل زير بنايي متعددي بر مي‌خوريم كه گستره وسيعي داشته اند، ازجمله، افسردگي، اضطراب، فوبيا، مشكلات جسماني، اشتغال ذهني و عدم تمركز، عدم توفيق در حل موفقيت‌آميز بحران هويت، عزّت نفس پايين، مشكلات رواني خفيف، مشكلات رواني شديد و سايكوتيك، وجود مشكلات جدي در روابط اجتماعي، بلوغ عاطفي ناكافي، فشارهاي شغلي، عدم برخورداري از تواناييهاي بالقوه هوشي و بنية ضعيف تحصيلي، وجود مشكل در مهارتهاي يادگيري، نداشتن برنامه ريزي درسي و فقدان مهارتهاي لازم در مديريت زمان، عدم آشنايي با روشهاي مطالعة مؤثر و كارآمد، مواجهه با مشكلات جدي در ابراز وجود و ترس از حضور درمقابل ديگران، عدم اعتماد به نفس كافي، عدم آشنايي با منابع درسي و كمك درسي، تداخل مشكلات فردي و خانوادگي در فرايند تحصيلي، مشكلات سوء رفتار درك شده از سوي دانشجو در ارتباط با عوامل و دست‌اندركاران سيستم آموزش و نهادهاي ديگر و نگرش بدبينانه، اسناد بيروني و ...

بنابراين، در فرايند مشاوره سعي مي‌شده است كه پس از مصاحبه، معاينه و ارزيابيهاي لازم و شناخت مشكل، از شيوه‌هايي كه در خور و متناسب با مشكل مراجع و شخصيت وي است، استفاده شود. ازجمله متداولترين روشهاي استفاده شده در فرايند مشاوره مي‌توان به شناخت درماني (بيشتر در موارد افسردگي و اصلاح باورها و شناختهاي نادرست مراجع از وضعيت خود و محيط زندگي)، واقعيت درماني (بيشتر در مواردي كه مراجع مي‌بايستي سهم و مسؤوليت خود را در برخورد با مقتضيات زندگي فردي و عمدتاً تحصيلي‌اش بپذيرد و با پذيرفتن اين واقعيتها بتواند ارزشهاي مؤثر را درونی كند)، روان درماني حمايتي (بشيتر در مواردي كه شخص دچار سيكل معيوب شكست تحصيلي، فقدان اعتماد به نفس و بي‌علاقه بودن نسبت به رشتة تحصيلي‌اش شده است و نياز به تقويت انگيزش تحصيلي دارد)، اضطراب‌زدايي و آموزش تن آرامي (relaxation) (براي مواردي كه اضطراب واكنشي و موقعيتي از مهمترين عوامل ناكامي بوده است)، جرأت آموزي (براي مواردي كه مراجع مشكلات جدي در ابراز وجود و اعتماد به نفس داشته است)، بصيرت درماني (insight therapy) (بيشتر در مواردي كه دانشجو نياز به پيدا كردن بينش تازه‌اي درباره خود و شيوة حل مسأله داشته است) و چند مورد ديگر، از جمله: آموزش مهارتهاي مطالعه و تمركز و برنامه‌ريزي و مديريت زمان و اقدامات حمايتي ديگر، از جمله: هماهنگي براي دريافت وام دانشجويي، حل مشكل خوابگاهي و ... اشاره كرد.

در اين گزارش، تمامي فرايند فوق به عنوان «مداخله‌هاي مشاوره‌اي يا مراقبتهاي تحصيلي و روانشناختي» ذكر شده است.

آنچه كه به عنوان متغير مستقل اعمال شده است، دستكاري (manipulation) عوامل زيربنايي مؤثر يا مرتبط با عملكرد تحصيلي ناموفق دانشجو بوده كه توسط فرايند مداخله‌هاي مشاوره‌اي اتفاق افتاده است.

پس از اعمال مداخله‌هاي فوق، براي ارزيابي ميزان تأثير مشاوره در ارتقاي سطح عملكرد تحصيلي گروه هدف، با استفاده از كدگذاري متغيرها و به كمك نرم‌افزار آماري SPSS، معدل

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

نيمسال اول ٧٧-٧٦ (پيش از مشاوره) با معدل نيمسال اول ٧٨-٧٧ (پس از مشاوره) مورد مقايسه قرار گرفت. همچنين رابطه معدل ديپلم (به عنوان نشانگر پيشينة تحصيلي دانشجو) با تغييرات معدل وي قبل و بعد از مشاوره بررسي و ارزيابي شد. ضمناً متغيرهاي زمينه‌اي، مثل: سن، جنس، وضعيت تأهل، سهميه ورودي و ... ازطريق رگرسيون كنترل شدند و وجود يا عدم وجود رابطه هر يك از اين متغيرها با متغير وابسته (تغييرات معدل پس از مشاوره) مورد ارزيابي و تحليل آماري قرار گرفت تا درنهايت روشن شود كه ميزان تأثير مشاوره دربهبود عملكرد تحصيلي دانشجويان مشكل‌دار چقدر بوده و اين تأثير با چه عوامل ديگري مرتبط شده است؟

يافته‌ها

يافته‌هاي اين پژوهش را مي‌توان در محورهاي زير خلاصه و ارائه نمود:

ميانگين معدل آزمودنيها قبل از انجام مشاوره ١/٩ ± ١٣/٩٥ و بعد از انجام مشاوره ١/٨ ± ١٤/٤٥ شده است. آزمون Paired T-test نشان مي‌دهد كه اين اختلاف معني‌دار است (P<٠/٠٠١).

يافته‌هاي پژوهش حاكي از آن است افرادي كه ميانگين معدل ترمهاي گذرانده آنها كمتر از ١٤ بوده است، در اثر مداخلات مشاوره تحصيلي و روانشناختي، ٠/٩٦ نمره افزايش معدل داشته‌اند. اين افزايش براي كساني كه معدل آنها بيشتر از ١٤ بوده است، ٠/١١ نمره مي‌باشد. آزمون T نشان‌دهنده اختلاف معني‌دار است (P< ٠/٠٠١).

مقايسه تغيير معدل در سهميه‌هاي مختلف نشان دهنده آن است افرادي كه سهميه ورودي آنان منطقه ١ بوده است، پس از مشاوره به ميزان ٠/٧٨ افزايش معدل پيدا كرده‌اند. اين افزايش براي منطقه ٢ برابر با ٠/٤٢، براي منطقه ٣، برابر با ٠/٤٠ ، براي خانواده شهدا برابر با ٠/٤٠، براي سهميه شاهد برابر ٠/٢٨، و براي سهميه رزمندگان برابر با ٠/٤٨ بوده است. بنابراين، افراد منطقه ١، افزايش معدل چشمگيرتري در مقايسه با همتايان خود در سهميه‌هاي ديگر داشته‌اند.

چنان كه جدول ١ نشان مي‌دهد، هر دو جنس پس از مداخله، افزايش معني‌داري در عملكرد تحصيلي خود پيدا كردند. مقايسه تغيير معدل دراثر مشاوره نيز نشان داد كه مردان حدود ٠/٥٤ نمره و زنان حدود ٠/٤٠ نمره افزايش معدل پيدا كردند. اين تفاوت معني‌دار نبود.

جدول ١. مقايسه ميانگين قبل و بعد از مشاوره

	قبل از مشاوره	بعد از مشاوره
مرد	١٣/٣٥±١/٨٩	١٣/٩٠±٦٥
زن	١٤/٩٩±١/٦٥	١٥/٤٠±١/٦٦
كل	١٣/٩٤±١/٩	١٤/٤٥±١/٨

P<٠/٠١

آزمون ضريب همبستگي ميان سن و تغيير معدل دراثر مداخله، نشان‌دهنده آن بود كه بين دو متغير رابطة معني‌داري وجود ندارد.

در رابطه با وضعيت تأهل، مقايسه ميانگين معدلهاي قبل از مشاوره نشان داد كه ميانگين معدل افراد مجرد (قبل از مشاوره) برابر با ١٣/٨٨ و براي متأهلين برابر با ١٣/٨٦ بود كه تفاوت معني‌داري نداد. همچنين تغييرات معدل دراثر مداخله بين دو گروه مجرد و متأهل نشان داد كه افراد مجرد به ميزان ٠/٦٠ افزايش معدل داشته‌اند. در حالي كه افراد متأهل تغيير محسوسي دراثر مشاوره نشان نداده‌اند (P<٠/٠٥). به عبارت ديگر، با وجود اينكه ميانگين اوليه در مجردها (١٣/٨٨)و در متأهلين (١٣/٨٦) تقريباً يكسان بوده است، تفاوت معدل دراثر مداخله در مجردها به طور معني‌داري بيشتر بوده است. از يافته‌هاي ديگر اينكه ميزان تغيير معدل در افرادي كه بيشتر از ٣ جلسه مشاوره داشته‌اند برابر با ٠/٥٦ و براي افرادي كه كمتر از ٣ جلسه مشاوره داشته‌اند برابر با ٠/٣٨ بوده است. كه تفاوت معني‌دار نيست.

ميانگين معدل ترمهاي پيش از مشاوره براي افرادي كه بيشتر از ٣ جلسه مشاوره داشته‌اند، برابر ١٤/١١ و براي افراد كه كمتر از ٣ جلسه مشاوره داشته‌اند، برابر ١٣/٧١ بوده است كه اين تفاوت نيز معني‌دار نيست.

آزمون ضرايب همبستگي بين تغييرات معدل در اثر مداخله و معدل ديپلم و معدل قبل از مشاوره نشان مي‌دهد كه بين معدل ديپلم و معدل ترمهاي قبل از مشاوره در دانشگاه رابطه مستقيم (P<٠/٠١) وجود دارد.

بحث

افت تحصيلي در دانشجويان پديده‌اي چند عاملي است. اين پديده كه به مثابه روكشي نمايانندة تنها سطوح عملكرد ظاهري شخص است، ريشه در عواملي دارد كه بايد تجزيه و تحليل شود و بدون درنگ راهكارهاي مناسب براي حل اين مشكل بكارگرفته شود. اين مهم از اهداف پروژه حاضر بوده است كه طي چند مرحله انجام گرديد و عوامل مختلف آن (در مراحل قبلي) بررسي شد. از جمله اين عوامل: استرس‌ها و عوامل روحي رواني و نگرش بدبينانه كه در ارتباط متقابل دانشجو و دانشگاه براي دانشجو احساس مي‌شده، بر فرايند تحصيل ناموفق او مؤثر

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

شناخته شده است. اين رابطه با تحقيقات انجام شده در ساير كشورها همسو بود. از جمله اين تحقيقات، به تحقيق انجام شده توسط Wolf (٤) مي‌توان اشاره كرد كه در آن بدرفتاري استنباط شده توسط دانشجو موجب بروز عكس‌العملهاي مختلف رواني از جمله افسردگي و اضطراب مي‌گردد و اين خود در سيكل معيوبي موجب عملكرد تحصيلي ناموفق مي‌شود.

در اين مطالعه با انجام جلسات مشاوره و ايجاد اعتماد به نفس بيشتر و كاهش احساس بي‌توجهي و بدبيني نسبت به عوامل انساني و غيرانساني موجود در سيستم دانشگاه و نسبت دادن علل ناكامي از طرف دانشجو به عوامل External attribution (إسناد بيروني) و ايجاد يك پوشش حمايتي براي دانشجو (روان درماني حمايتي) و به وسيله برنامه‌هاي هدايت تحصيلي (مشاوره و راهنمايي تحصيلي) و اتخاذ روشهاي ديگر از جمله شناخت درماني و ...، سعي گرديد توان دانشجويان تحت مطالعه براي حل و فصل موفقيت‌آميز مشكلات تحصيلي و ديگر مشكلات آنان افزايش يابد و با اندازه‌گيري اين تغييرات در قالب مقايسه ميانگين معدلهاي ترمهاي قبل و بعد از مشاوره بتوان تأثير فرايند مشاوره را در بهبود عملكرد تحصيلي آنان ارزيابي نمود. مشابه اين اقدامات در مطالعات Change در دانشجويان هندي به اثبات رسيده، ازجمله تأثير گروه‌هاي حمايتي: مشاوره، استاد راهنما، تفريحات سالم، ورزش و ...، در كاهش استرس‌هاي دانشجويان مؤثر بوده است(٥).

همان‌گونه كه در نتايج نشان داده شد، اين مداخله موجب افزايش ميانگين معدل ترمهاي بعد از مشاوره گرديد. نكته قابل توجه در اين مطالعه اين بود كه تأثير مشاوره آموزشي و روانشناختي مي تواند فارغ از تأثير عوامل زمينه‌اي؛ مثل: سن، جنس، وضعيت تأهل و ... باشد. اين تأثير موجب بهبود وضعيت تحصيلي مي‌شود كه خود نمودي از ارتقاي سطح سلامت رواني مي‌باشد. نمونه اين مطالعه كمتر در منابع علمي يافت شد ولي در مطالعات متعدد طولي كم نظير، دانشجويان را به چهار دسته ازنظر استنباط فشارهاي روحي تقسيم نموده و براي هر دسته، راهكارهاي از عهده برآمدن مناسب (coping) توصيه كرده‌اند(٦).

مفهوم ديگري كه از مطالعه حاضر مي‌توان استنباط نمود، اينكه روشهاي بكار گرفته شده در مداخله‌هاي اعمال شده، از قبيل: شناخت درماني، درمان حمايتي، هدايت تحصيلي و ... مي‌تواند فهم دانشجو را از تغييرات تكاملي شخصيتي و علمي و حرفه‌اي خود ارتقا دهد و توان از عهده برآمدن (coping) او را در مقابله با استرس‌هاي مقطعي افزايش دهد. مشابه اين مسأله در ساير مطالعات نيز تأييد گرديده است(٧).

نتايج اين پژوهش، همچنان كه در گزارش يافته‌ها بيان شد، نشان مي‌دهد كه فرايند مداخله كه ازطريق مشاوره‌هاي تحصيلي و مراقبتهاي روانشناختي انجام مي‌گيرد، در كلّ افراد، صرفنظر از ساير متغيرها، مؤثر و مثبت بوده است. ميزان اين تأثير براي افرادي كه وضعيت تحصيلي نامساعدتري داشته‌اند (يعني افرادي كه ميانگين معدل ترمهاي گذرانده آنان كمتر از ١٤ بوده است) بيشتر بوده است و بيشتر از همتايان داراي معدل بالاتر از ١٤ از مشاوره بهره گرفته‌اند و سطح عملكرد تحصيلي خود را ارتقا داده‌اند. اين يافته مي‌تواند حاكي از احساس نياز شديد افراد پرخطر (high risk) و انگيزش بالاتر آنان به تغيير وضعيت خود باشد. اين يافته‌ها همچنين نشان داده است كه همين افراد (يعني گروه با ميانگين كمتر از ١٤) چنانچه متعلق به سهميه منطقه ١ بوده باشند، تأثير مداخله روي آنها بيشتر بوده و افزايش ميانگين بالاتري را پس از جلسه مشاوره نشان داده‌اند. توضيح اينكه افراد منطقه ١ (يعني مراكز استانها) عليرغم آن كه ميانگين معدل ترمهاي پيش از مشاوره آنان بالاتر بوده است و اساساً انتظار مي‌رفت كه انگيزه تغيير كمتري داشته باشند، ولي در مقايسه با مناطق و سهميه‌هاي ديگر، تغيير معدل بيشتري نشان داده اند.

اين مسأله مي‌تواند نشانگر نگرش مثبت‌تر افراد شهرهاي بزرگ نسبت به مشاوره باشد كه ضرورت گسترش خدمات حرفه‌اي مشاوره‌اي را در شهرهاي كوچكتر بيش از پيش مطرح مي‌سازد. در اين زمينه مطالعه مشابهي در منابع موجود يافت نشد ولي در مطالعه‌اي شناخت عوامل اصلي استرس را در دانشجويان پزشكي و برخورد مناسب با آنها تأثير خوبي بر نحوه مقابله دانشجويان با اين عوامل داشته است(٨).

همچنين نتايج نشان مي‌دهد كه معدل ديپلم با معدل ترمهاي قبل از مشاوره رابطه معني‌دار مستقيم دارد. با كنترل معدل ترمهاي پيش از مشاوره، معدل ديپلم با تغييرات معدل رابطه مستقيم و معني‌دار داشت. در اين ارتباط خاطر نشان مي‌شود كه دانشجويان كمك شده‌اي كه سابقه آموزشي بهتري داشتند، يعني معدل ديپلم بالاتري داشته و از مناطق اصلي بوده‌اند، تغييرات مطلوبتري را تجربه كرده‌اند. در مطالعه‌اي در آمريكا، نمره كسب شده در امتحان (United States Medical Licensing Exam) USMLE با وضع اقتصادي پدران دانشجويان رابطه داشته است(٩).

مسأله ديگري كه يافته‌هاي پژوهش نشان مي‌دهد، اينكه مجردها نسبت به متأهل‌ها تغييرات مطلوبتري را تجربه كرده‌اند و اين بر اصلاح فرايند مشاوره با متأهلين و احياناً اتخاذ راهكارهاي متفاوت درمقابل متأهلين را پيش مي‌كشد. در مورد كليات طرح فوق، خوشبختانه ازطرف معاونت محترم دانشجويي – فرهنگي وزارت نيز اخيراً اقداماتي انجام شده است.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

توصيه‌ها

- درك شفاف از دوران تحصيلي دانشگاهي داراي مزاياي بسياري است كه از هر طريق ممكن بايستي به آن دست يافت.
- بسيار مهم است كه تكيه بيشتري روي متغيرهاي كيفي پذيرش دانشجو صورت گيرد، زيرا در مطالعه حاضر، ثابت شد كه تعدادي از دانشجويان ويژگيهاي رواني مستعدي براي شكست داشته‌اند.
- برنامه‌هاي ارتقاي سلامت، بر تداوم تعادل در سبك زندگي دانشجويي و حرفه‌اي آنان مؤثر است و شايسته است به آن توجه شود.
- مشاوره روانشناختي و روانپزشكي و آموزشي بهتر است براي همه دانشجويان باشد.
- انجام تحقيقات طولي در ابعاد: محيطي، شخصيتي، تطابق، آموزشي ضرورت دارد.
- توصيه مي شود در مطالعات بعدي از روشهاي دقيقتر و مشخص‌تري براي شناخت وضعيت روانشناختي و دموگرافيك دانشجويان مشكل‌دار استفاده شود تا به تناسب، انجام مداخله‌هاي مؤثرتر و ميزان Coping آنان افزايش يابد. اين كار نياز به ايجاد يك نظام مشاوره‌اي قوي دارد. مطلب ديگر اينكه، رشد (development) در شخصيت حرفه‌اي اين افراد چيزي است كه بخش قابل توجه آن در دانشگاه اتفاق مي افتد و بررسي پيرامون تأثير الگوهاي اين دانشجويان بر ساختار شخصيت شغلي‌شان موضوعي است كه بايد مورد پژوهش واقع شود و حتي تأثيرات منفي كه ممكن است در ايجاد شخصيت ناپايدار و نامناسب ايجاد كند، موضوعي است كه بايستي مطالعه شود. اين موضوعات نياز به مطالعات آينده‌نگر دارد.

References

١- Panau R, Stoessel O. Mental health service for medical students. J of Med Edu. ١٩٩٤; ٢٨(١): ٣٣-٣٩.

٢- Whittemore PB. Longitudinal study and personality changes in medical students. J of Med Edu. ١٩٨٥; ٦٠: ٤٠٤-٥.

٣- شمس ب، فرشيدفرد م، حسن‌زاده ا. مقايسه ويژگيهاي دموگرافيك و شخصيتي دانشجويان مشروط و غيرمشروط پژوهش در علوم پزشكي ١٣٧٦؛ ٢(٤): ٢٢٦-٢٢٢.

٤- Wolf TM. Stress, coping and health enhancing well-being during medical school. J of Med Edu. ١٩٩٤; ٢٨: ٨-١٧.

٥- Chan KY. Stress among medical students in medical college of south India. Edu for Health. ١٩٩٩; ١٢: ٦٣-٦٩.

٦- Vilaliano PP. Perceived stress in medical school resistors, persistors, adaptors and maladaptors. Social Science and Medicine. ١٩٩٨; ١٣٢١-٩.

٧- Wolf TM. Graduating medical students rating of stresses pleasures and coping strategies. J of Med Edu. ١٩٨٨; ٦٣: ٦٣٦-٤٢.

٨- Coles CR. Helping students with learning difficulties in medical and health care education ASME Edu. ١٩٩٠; ٢٤: ٢٩٩.

٩- Barbara F. The relationship between parental income and academic performance and medical students. Academic Med. ١٩٩٥; ٧٠(٢١): ١١٤٢-٤٤.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]